

پرونده شماره ۷۶۴
شعبه یک
حکم شماره ۱ - ۷۶۴ - ۶۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ایران - ایالات متحده	
ثبت شد - FILED		
Date	۱۳۶۲ / ۵ / ۲۵	تاریخ
16 AUG 1983		
No.	764	شماره
	۷۶۴	

ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد،
خواهان ،

- و -

شرکت معاملات دولتی ،
بانک ملی ایران ، بانک مرکزی ایران ،
خوانندگان .

حکم راجع به بخشی از دعوی

(۱) مقدمه

دعوی ورلدفارمرز تریدینگ کورپوریشن ("خواهان") در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۸ دی ماه ۱۳۶۰) در دیوان داوری به ثبت رسید. خواهان تقاضای کندکس جهت جبران مبلغ ۹,۴۷۱,۴۲۰ دلار خسارت حکمی علیه شرکت معاملات دولتی ایران صادرشود. حسب ادعا خسارات وارده ناشی از نقض دو فقره قرارداد است که در ۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۵ تیرماه ۱۳۵۸) جهت خرید و فروش مقادیری ذرت خوشه‌ای (سورگوم) و آرد سویا منعقد شده است. وهمان مبلغ بموجب دو فقره اعتبار اسنادی غیرقابل فسخ که جهت قراردادهای مزبور گشایش یافته، از بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران مطالبه شده است.

شرکت معاملات دولتی ادعای متقابلی به مبلغ ۴۷۳,۵۷۱ دلار مطرح کرده و این مبلغ ضمانتنامه حسن انجام کاری است که خواهان طبق قرارداد موظف به ارائه آن بوده است.

(۲) موضوع صلاحیت دیوان

قراردادها مستند به دو فقره تلکس بتاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۸ تیرماه ۱۳۵۸) است که شرکت صادرات بین المللی علوی بعنوان کارگزار خریدار (شرکت معاملات دولتی) تحت عنوان "متن قراردادهای منعقد شده با ورلدفارمرز تریدینگ اینکورپوریتد در تاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۵ تیرماه ۱۳۵۸) بشرح زیر می باشد" رابه خواهان مخابره کرده و ذیل عنوان مزبور شرایط مفصل موافقتهای فیما بین را درج نموده است. هریک از دو تلکس مذکور حاوی قید زیرمی باشند:

اختلافات و حل و فصل آنها:

اختلافات ناشیه می بایست قطعاً "و منحصراً" در محاکم ایرانی حل و فصل گردد."

شرکت معاملات دولتی در لایحه دفاعیه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۹ آذرماه ۱۳۶۱)

خود اظهار می دارد که قید مذکور صلاحیت دیوان داورى را در رسیدگی به ادعا
نفی میکند زیرا که قید مورد بحث مشمول مقررات بند ۱ ماده دو بیانیه حل و
فصل ادعاها می شود که طی آن "ادعاهای ناشی از قراردادهای الزام آور
فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً "مقرر شده است رسیدگی به دعوی مربوطه تنها
در صلاحیت دادگاههای مالحه ایران باشد، در پاسخ به موضوع
مجلس "از صلاحیت دیوان مستثنی شده است .

خواهان در ۱۴ آوریل ۱۹۸۳ (۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۲) " جوابیه ای به مسئله
صلاحیت که توسط شرکت معاملات دولتی عنوان گردیده " به ثبت رسانیده و در آن
استدلال کرده که قید انتخاب مرجع رسیدگی مزبور الزام آور نیست زیرا تغییرات
انقلابی در ایران نظام قضائی موجود در زمان عقد قرارداد را اساساً " تغییر
داده است و بعلاوه اظهار داشت که کاربرد عبارت "حل و فصل" در آن قید مبهم
است زیرا نمی توان آنرا معادل "رسیدگی قضائی" دانست و تعبیر آن باید
محدود باشد .

دیوان داورى در دستور مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۲) خود به
طرفین ابلاغ کرده است که قصد دارد در مورد اثرات قید مرجع رسیدگی مزبور در صلاحیت
بر اساس مدارکی که قبلاً در مورد پرونده حاضر به دیوان داورى تسلیم شده، اتخاذ
تصمیم نماید .

۳ - دلایل

دیوان داورى کامل در ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) قرارهای اعدادی در
نه فقره پرونده نمونه صادر کرد که متضمن قراردادهای برگزیده ای با قیود انتخاب
مرجع رسیدگی گوناگونی بود . عبارات قید مذکور در تلکس مورد بحث
که اکنون تحت رسیدگی است عیناً "عباراتی است که دیوان کامل در دعوی

جرج دبلیو. دراگر، جونیور و شرکت معاملات خارجی و دیگران (قرار
اعدادی شماره آی.تی.ال. ۰ - ۱۲۱ - ۴ - اف. تی. ، پاراگراف ۲ بخش
سوم "پیشنهادسیمان") مورد رسیدگی قرار دارد. در آن پرونده دیوان کامل
تصمیم گرفت که ،

"اختلافهای فیما بین طرفین باید به دادگاههای ایران ارجاع
شود. در نتیجه ، قید مزبور شرط خروجی بیانیه حل و
فصل ادعاها را تحقق می بخشد که مقرر می دارد که ادعاهای ناشیه
از قرارداد های فیما بین " که مشخما " اختلافهای مربوطه را تنها
در حیطه صلاحیت دادگاههای ایران قرار داده باشد ،
از حوزه صلاحیت دیوان دآوری خارج است ."

این شعبه دلیلی نمی بیند که در مورد نحوه نگارش قید مندرج
در تلکس های حاضر نتیجه دیگری اتخاذ نماید .

در مورد اظهارات خواهان مبنی بر تغییر اوضاع و احوال در ایران ، موضوع مزبور
در تصمیم دیوان کامل در قرار اعدادی جرج دبلیو دراگر، جونیور مشخص شده است .
(همان ماخذ ، بخش دوم ، "قرارداد برنج") .

بنا به دلائل پیش گفته

دیوان دآوری بشرح زیر رای می دهد :

قید مندرج در قرارداد بین خواهان و شرکت معاملات دولتی مشمول شنروط
استثناء مرجع رسیدگی موضوع بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها می باشد
در نتیجه ، دیوان چنین تصمیم می گیرد که دارای هیچگونه صلاحیتی جهت رسیدگی به ادعای
مبتنی بر آن دو قرارداد علیه شرکت معاملات دولتی نیست .

لذا دیوان دآوری ادعای مطروح علیه شرکت معاملات دولتی را
رد می نماید .

بدینوسیله مقرر میدارم که خواهان مدارک مشروحه زیر را تا تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۸۳ (۲۵ مهرماه ۱۳۶۲) نزد دیوان داوری به ثبت رساند؛ نظرات خواهان درباره صلاحیت دیوان داوری جهت رسیدگی به ادعای مطروحه علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران، با توجه به قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج دردو فقره قرارداد باشد شرکت معاملات دولتی و شرایط دوا سناد اعتباری؛ همچنین نظرات خواهان درباره صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به ادعای متقابل شرکت معاملات دولتی.

بدینوسیله مقرر می دارم که خواندگان بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران تا تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۱ آذرماه ۱۳۶۲) هرگونه پاسخی درینمورد را به ثبت رسانند.

شرکت معاملات دولتی باید تا تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۱ آذرماه ۱۳۶۲) هر نظری را که درباره صلاحیت دیوان داوری جهت رسیدگی به ادعای متقابل دارد، به ثبت رساند.

دیوان داوری در حال حاضر قصد دارد که بعد از دریافت مدارک فوق الذکر، تصمیم خود را بر اساس اسناد تسلیمی اتخاذ نماید.

لا اله ، بتاریخ ۱۲ اوت ۱۹۸۳ برابر با ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲

گونا رلاگرون

رئیس شعبه یک

محمود کاشانی

موافق در نتیجه و

مخالف در استدلال

هوارد ام. هولتزمن

موافق در نتیجه